

عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری در سال ۲۰۰۹

دکتر سید محمد صادق مهدوی^۱، مهدیه سلماسی^۲

چکیده

مسئله مهاجرت در صد سال گذشته ابعاد عظیمی پیدا کرده است. میلیون ها نفر از یک کشور به کشور دیگر مهاجرت می کنند. از سوی دیگر از آن جا یی که امروزه مهاجرت بین المللی در میان ایرانیان هم افزایش یافته است، بررسی مسائل و مشکلات مهاجرت اهمیت خاص خود را دارد و می تواند به کسانی که قصد مهاجرت دارند کمک کند، که با دیده ای باز به این مسئله برخورد کنند. بنابراین با توجه بر افزایش شمار مهاجران به کانادا و افزایش نگرانی در ارتباط با ایجاد مسایل اجتماعی ناشی از مهاجرت، نیاز واقعی بر تحقیقات بیش تر در این زمینه از جنبه تئوریک و کاربردی وجود دارد.

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی "عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری [۱] در سال ۲۰۰۹ می باشد. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است، ابزار جمع آوری اطلاعات مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بر اساس تئوریهها و ادبیات تحقیق می باشد. نمونه مورد مطالعه تمام شماری است، و تمامی جامعه آماری (کلیه زنان مهاجر به کلگری) مورد ارزیابی واقع شده اند.

بر اساس یافته های تحقیق مهم ترین عوامل اقتصادی-اجتماعی تاثیر گذار بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری در سال ۲۰۰۹ عبارتند از: مدت اقامت در کانادا، مهارت زبانی، تحصیلات (از ایران و کانادا)، تجربه کاری (در ایران و کانادا)، سن زنان، وضعیت تاهل و داشتن فرزند (فرزندان خردسال) و میزان متوسط درآمد.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، مهاجر، کلگری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۶/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۰

۱-استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۲-دانش آموخته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

مقدمه

مهاجرت یک عامل اجتماعی در تکوین تاریخ بشری و تمدن است. مهاجرت در تاریخ بشر با کارکرد مثبت بزرگترین نقش را در تحرک و ارتقا بینش بشری و شکل‌گیری تمدن‌ها داشته است (شریعتی، ۱۳۶۱). مهاجرت نیروی کار [۲] در دهه ۱۹۹۰ به ترک محل زندگی در راستای جستجوی فرصت‌های اقتصادی بهتر و سطوح بالاتر زندگی در عرصه بین‌المللی منجر گردیده است (United Nation, 1987) تمامی مهاجرت‌ها به نوعی جا به جایی نیروی کار را شامل می‌شوند و هر مهاجری بالقوه یک کنشگر اقتصادی است، که بر بازار کار جامعه میزبان اثر می‌گذارد. اگر چه ممکن است این مهاجرین معیارها و انگیزه‌های خاصی در مبدا برای مهاجرت داشته باشند، ولی هنگامی که وارد بازار کار می‌شوند به بخشی از نیروی کار محلی تبدیل می‌گردند. با این همه آن چه را که در مورد نیروی کار خارجی بدیهی می‌نماید، آن است که این نیروی کار، در واقع کارگران خارجی هستند که وارد کشور میزبان شده‌اند و عمدتاً به مشاغلی می‌پردازند که کشور میزبان در آن زمینه‌ها فاقد نیروی کار است (اکبری خنجی، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

بیان مساله

تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مهاجرت کارگران به خارج، پدیده‌ای جزئی به شمار می‌آمد. امروزه این گونه مهاجرت به صورت نمود بارزی از جریان قدرتمند جهانی شدن اقتصاد در دنیا در آمده و تاثیری عمیق بر اقتصاد و نیروی انسانی بیش از ۱۰۰ کشور جهان دارد. دروازه‌های کشورها همواره بر روی نیروی کار باز است، و جریان کالا، خدمات، سرمایه و رفت و آمد انسان‌ها به داخل مرزها ادامه دارد. مسئله اصلی فقط رفت و آمد جمعیت انسانی و پراکندگی وسیع جغرافیایی آن‌ها نیست؛ بلکه امروزه کیفیت مهاجرت هم در حال دگرگونی است، کارگران ماهرتر شده‌اند، و برای دوره‌های کوتاه‌تری مهاجرت می‌کنند (ارشاد، ۱۳۸۰).

در سال ۱۹۹۵، افزون بر ۱۰۰ میلیون نفر از مردم در سرزمین غیر مادری زندگی می‌کردند (Friedberg and Hunt, 1995) در کانادا مهاجران بخش عظیم و پویای جمعیت را تشکیل می‌دهند. نتایج سرشماری سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که کل جمعیت مهاجر به کانادا ۵۴۴۸۴۸۰ نفر، بالغ بر ۶ درصد جمعیت است (Friedberg and Hunt, 1995).

با توجه بر افزایش شمار مهاجران به کانادا و افزایش نگرانی در ارتباط با ایجاد مسایل اجتماعی ناشی از مهاجرت، نیاز واقعی بر تحقیقات بیش تر در این زمینه از جنبه تئورریکی و کاربردی وجود دارد.

بدین منظور در این تحقیق به بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری و رضایت شغلی آن ها می پردازیم.

بنابراین در پژوهش حاضر به سوالات ذیل می خواهیم پاسخ دهیم؟

- چه نسبتی از زنان مهاجر به کلگری شاغل هستند؟
- عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چیست؟
- سهم هریک از عوامل موثر در اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چه مقدار است؟
- مشکلات زنان ایرانی مهاجر به کلگری در ارتباط با اشتغالشان چیست؟

مسئله مهاجرت در صد سال گذشته ابعاد عظیمی پیدا کرده است. میلیون ها نفر از یک کشور به کشور دیگر مهاجرت می کنند، هم چنین امروزه مهاجرت بین المللی در میان ایرانیان هم افزایش یافته است، بررسی مسائل و مشکلات مهاجرت اهمیت خاص خود را دارد و می تواند به کسانی که قصد مهاجرت دارند کمک کند، که با دیده ای باز به این مسئله برخورد کنند، به خصوص از آن جا بی که تاکنون در کشور ما تحقیقی در مورد مشکلات اشتغال زنان ایرانی مهاجر نشده است.

هدف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی "عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری در سال ۲۰۰۹ می باشد.

ادبیات تحقیق

- اندیشمندانی مانند بکر و مینسر بر اساس نظریه سرمایه انسانی "تحصیلات و تجربه کاری" را عواملی موثر در اشتغال افراد می دانند. پیش فرض این است که:
"افرادی که بیشتر سرمایه گذاری می کنند، به عنوان مثال تحصیلات بیشتری دارند، ارزش بیشتری برای کارفرما دارند و شایسته درآمدهای بالاتر می باشند (Kelly, 1991).

- هوک و بالیستری (Hook and Balistreri, 2002) بر اهمیت مدارک تحصیلی مهاجرین در کشور مقصد تاکید دارد. از آن جا بی که مدارک تحصیلی زمینه تحرک اقتصادی - اجتماعی را فراهم می کند و منجر به تسهیل کارایی در کشور میزبان خواهد شد.
- تحقیقات چیسویک (Gregory, 2002, Chiswick, 2007) نشان می دهد که " دستمزد های بالاتر به سطوح بالاتر تحصیلی " اختصاص دارد.
- بر طبق تحقیقات گذشته ، درآمد اقتصادی مهاجران به " محلی که مدرک تحصیلی اخذ شده است " وابسته می باشد . اکثر مطالعات حاکی از آن است که مدارک تحصیلی اخذ شده خارج از کانادا غیر معتبر شناخته می شوند (Evans and Kelley, 1986, Iredale, 1988, Hawthorne, 2002).
- بر طبق تحقیقات مهاجرینی که مدارک تحصیلی پایین تری دارند ، به خصوص زمانی که از کشورهای غیر انگلیسی زبان باشد ، با مشکلات عدیده ای مواجه می شوند (Wooden, 1996).
- نتایج یافته های اونس (Evans, 1984) بیانگر وضعیت اقتصادی مهاجران ، تفاوت های بو میان - مهاجرین و اختلاف بین گروه های مهاجران با توجه به " کشور مبدا " است .
- نرخ مشارکت نیروی کار زنان به وسیله کشور مبدا قابل بررسی است . مشارکت کمتر نیروی کار زنان مهاجر آسیایی در مقابل زنان مهاجر اروپایی و کانادایی از طریق کشور مبدا تبیین می شود
- فروتن (۲۰۰۸) و کلر (Keller, 2006) معتقد بر تاثیر مثبت " مهارت زبانی " بر وضعیت اشتغال مهاجران در کانادا می باشند.
- جیسویک (۱۹۷۸) بر تاثیر " مدت اقامت در کشور مقصد " به عنوان یکی از عوامل موثر بر اشتغال زنان مهاجر تاکید دارد.
- ترکیب خانواده یکی دیگر از عوامل موثر است ، مندولا (Mendola, 2007) به بررسی تاثیر وجود فرزندان در وضعیت اشتغال زنان پرداخته است . تحقیقات اونس (Evans, 1996) نشان می دهد که مشارکت نیروی کاری زنان مهاجر ۳۰-۲۵ درصد به دلیل داشتن فرزندان زیر ۳ سال کاهش یافته است . بچه های قبل دبستان تاثیری منفی بر میزان مشارکت نیروی کار زنان مهاجر دارند (Bowen and Finegan, 1969, Nakamura and Nakamura, 1992).
- پیتر روسی عوامل زیر را موثر می داند :

- صفات فردی : سن ، سواد ، تاهل ، نوع شغل
- صفات خانواده ها : تعداد بچه ها ، درآمد خانواده

مبانی نظری تحقیق

دیدگاه اقتصادی

از نظر اقتصادی، مهاجرتها اعم از مهاجرتها داخلی و مهاجرتها بین المللی، مکانیزمی برای باز توزیع نیروی کار است. این نگرش با آرا و عقاید آدام اسمیت (۱۷۷۸) اقتصاددان کلاسیک و پیروان وی شکل گرفت. وی مهاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می دانست و آن را نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجرفرست محسوب می داشت ، بلکه حتی آن را وسیله ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به شمار می آورد. بعد از وی اقتصاددانانی چون ساستاد (۱۹۶۲) هاریس و تودارو (۱۹۷۶) در دهه ۱۹۶۰ این نظریه را کمی تغییر داده و تئوری جدیدی با عنوان نظریه نئو کلاسیکها را مطرح کردند. بر پایه این نظریه هر جا عرضه نیروی کار بیش از سرمایه باشد دستمزدها سیر صعودی می یابد، این وضع، مهاجرت نیروی کار را از منطقه نخست به منطقه دوم برمی انگیزد و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می کند. تعادلی که در منطقه مهاجرفرست، به کاهش نیروی کار و افزایش دستمزدها و در منطقه مهاجرپذیر، به افزایش نیروی انسانی و کاهش دستمزدها می انجامد. استمرار این وضع، شکاف دستمزدها را بین دو منطقه کاهش می دهد و زمانی که تفاوت آن دو به سطح هزینه های مهاجرت تقلیل یابد، توقف مهاجرت بین آن مناطق را به دنبال می آورد. آنان همچنین به این نکته نیز توجه کرده اند که مهاجرت از دید «کلان اقتصادی» اقدامی را نیز در مقیاس خرد اقتصادی به دنبال می آورد و فرد مهاجر به عنوان عامل این پدیده، عملکرد خود را در قالب اصل فایده - هزینه ارزیابی می کند و در این بخش کلیه هزینه های متصور اعم از هزینه های ملموس و غیرملموس (مانند هزینه پیدا کردن کار، هزینه مسافرت، هزینه های انطباق با محیط و نظایر آن) را در نظر می گیرد و در صورتی که فایده ای بیش از هزینه ها بر آن مترتب باشد به مهاجرت اقدام می کند. وقتی از دید فایده - هزینه به مهاجرت نگریده شود باید مسأله را در یک زمان نسبتاً طولانی تری در نظر آورد و به مقایسه درآمدهای انتظاری در مبدأ و مقصد مهاجرت پرداخت. چه این امر در کوتاه مدت ممکن است گمراه کننده یا غیرقابل قیاس باشد. فردی که از سرزمین خود به عنوان مهاجر راهی سرزمینی دیگر

می‌شود، در آغاز آشنایی چندانی با بازار کار و مسائل و مشکلات زندگی در آن سرزمین ندارد و به تدریج که قدرت انطباق خود را با محیط جدید افزایش می‌دهد با امکانات و تنگناهای بازار کار و شرایط و مقررات حاکم بر آن آشنا تر شده و بهتر می‌تواند به مقایسه درآمدهای انتظاری مبدأ و مقصد مهاجرت پردازد و طبیعی است که در این راه ممکن است با مسائل پیش‌بینی نشده‌ای نیز مواجه می‌شود که در نهایت ارزیابی وی را تصحیح یا تعدیل کند. نتیجه این امر به ارزیابی مجدد «فایده و هزینه» و در نتیجه ماندگاری یا بازگشت مهاجر منجر می‌شود.

تئوری مهاجرتی نئوکلاسیکها بیشتر بر تفاوت دستمزدها و احتمال کارایی معطوف بوده و به بسیاری از عواملی که در جذب یا دفع مهاجر مؤثرند عنایت نکرده است.

تغییر سیاستهای بین‌المللی و غیرکارآمد بودن محاسبات اولیه مربوط به آن، اوضاع و احوال اقتصادی و تصمیم‌گیریهای اساسی، از عوامل مهم و اثرگذار بر جریانات مهاجرتی است. فرض مشابهت و همسانی مهارت بین مبدأ و مقصد، که مهاجرت به تأمین آن در مقصد و کاهش مازاد آن را در مبدأ امکانپذیر کند و به تأمین مطلوب تر اشتغال تام در آن منطقه تأثیر گذارد، از مواردی است که احتمال تحقق آن به گونه‌ای که در نظریه کلان مهاجرتی نئوکلاسیکها مطرح شده است، با تردید زیادی مواجه است. چه مهاجران با همان مهارتی که مورد نیاز کشورهای مهاجرپذیر است به آن کشورها عزیمت نمی‌کنند، بلکه در طول زمان مهارتهای لازم را در سطحی که مورد نیاز باشد یاد می‌گیرند و در بازار کار کشور مهاجرپذیر جذب می‌شوند. به همین دلیل به رغم عدم نیاز کشورهای مهاجرپذیر، مهاجرت قطع نمی‌شود، بلکه به صورتهای گوناگون در رابطه با شرایط جدید ادامه می‌یابد و با نوسانات گذرای نیز مواجه می‌شود. نظریه مهاجرتی نئوکلاسیکها در مقیاس خرد نیز جای بحث و گفتگو دارد. نه تنها نمونه‌های کافی و مستدلی برای توجیه آن عرضه نشده است، حتی تفاوت دستمزدها در سرزمینهای مبدأ و مقصد مهاجرتی نیز به گونه‌ای نیست که بتوان آن را با توجیه ساده هزینه‌های ملموس و غیرملموس مهاجرتی توجیه کرد. تجربیات اخیر نشان می‌دهد که وجود تفاوت‌های زیاد دستمزدی، بین سرزمینهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر، که به مراتب بیش از هزینه‌های مهاجرت است، موجب استمرار مهاجرتها و در مواردی تشدید آنها شده است.

پذیرش کاستیهای تئوری مهاجرتی نئوکلاسیکها، راه را برای طرح نظریه های تازه ای باز کرد که از آن میان می توان به "نظریه اقتصاد جدید مهاجرت" اشاره کرد. بر اساس این نظریه که مقیاسهای خرد را در نظر دارد، مهاجرت اقدامی است که از طرف افراد انجام می گیرد و به طور وسیعی در رابطه با عملکردی است که آنان در جامعه دارند و این امر نه تنها به منظور افزایش درآمد خانوارها و به حداکثر رساندن آن انجام می گیرد، بلکه اقدامی در جهت کاهش و به حداقل رساندن مخاطراتی هم هست که بازار کار کشورهای مهاجر فرست با آنها مواجه است. مخاطراتی چون فقدان امنیت و بیمه داد و ستد، کاستیهای بازار و نبود بیمه بیکاری و نظایر آن، که یا در این کشورها وجود ندارند یا در چهارچوب این دیدگاه، خانوارها تلاش می کنند تا بهبود اقتصادی خود را از طریق تنوع بخشیدن به منابع درآمدی خانوار محقق کنند. بر این اساس عزیمت افرادی از خانوار به کشور دیگری که در آن دستمزدها و شرایط اشتغال، مستقل از نوسانات اقتصاد محلی است، نوعی تأمین امنیت اقتصادی در مقایسه با سرزمین مبدأ مهاجرتی تلقی می شود.

به دلیل آن که اکثر مردم کشورهای مهاجر فرست جهان سوم، از دسترسی به خدمات بانکی محروم بوده و به تبع آن امکان استقراض و تأمین سرمایه از شبکه بانکی را با بهره معقول ندارند، پولی را که مهاجران بین المللی به سرزمینهای اصلی خود ارسال می دارند، عامل مهمی در توسعه آن کشورها محسوب می شود که اغلب از ضعف و کمبود سرمایه رنج می برند. نکته مهم در این زمینه استمرار جریان پول از طریق مهاجران و تزریق آن به اقتصاد کشورهای مهاجر فرست است، که علی الاصول با توجه به بهبود فزاینده وضع اقتصادی کشورهای توسعه یافته از یک طرف و نازل بودن هزینه های زندگی مهاجران در آن کشورها از طرف دیگر، امکان پس انداز و در نتیجه ارسال وجه را به صورت مستمر انجام پذیر می کند. این امر بویژه از آن نظر اهمیت بیشتری می یابد که وجوه ارسالی به صورت ارز خارجی بوده و به هر صورتی که از طرف خانوار مهاجر بهره برداری می شود به افزایش ذخایر ارزی کشورهای مهاجر فرست منجر می شود که ارزشی به مراتب بالاتر از افزایش سرمایه محلی دارد.

برخی از محققان از جمله تیلور (۱۹۹۲) و استارک (۱۹۹۴) به این مسأله از دید دیگری نیز توجه کرده اند و آن این که پول ارسالی به وسیله مهاجران نه تنها در بهبود وضع اقتصادی جامعه مؤثر می افتد بلکه مهمتر از آن، درآمد خانوارهای دارای مهاجر را در مقایسه با خانوارهای همتراز

فاقد مهاجر، افزایش داده و نوعی منزلت اجتماعی بالاتری را برای آنان تأمین می‌کند. با گذشت زمان، حتی اگر درآمد خانوادگی گروه دوم ثابت هم بماند، محرومیت و فقر نسبی آنان افزوده می‌شود و این خود به تشدید تلاش آنان به مشارکت در مهاجرت‌های بین‌المللی می‌انجامد و آن را به زنجیره‌ای طولانی و در مواردی ناگسسته تبدیل می‌کند؛ بدین ترتیب در نظریه اقتصاد جدید مهاجرت توجه و تأکید بیشتری بر اثرگذاری مهاجرت‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی شده است که نکات عمده آن را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. مهاجرت‌ها حتی در شرایطی که تفاوتی بین دستمزدها در مبدأ و مقصد هم وجود نداشته باشد انجام می‌گیرند.

۲. وجود و ادامه مهاجرت‌های بین‌المللی از منطقه‌ای به منطقه دیگر، خود برانگیزنده مهاجرت‌های جدید بوده و به عنوان وسیله‌ای برای افزایش درآمدها و کاهش مخاطرات اقتصادی در سرزمین‌های مهاجرفرست تلقی می‌شود. به گونه‌ای که موفقیت توسعه اقتصادی در سرزمین‌های مبدأ مهاجرتی، حداقل نیازمند عدم کاهش بار مهاجرتی بین‌المللی از آن سرزمین‌هاست.

۳. مادامی که بازار مطمئن و مناسبی برای اشتغال در کشورهای در حال توسعه وجود نداشته باشد، مهاجرت از آن کشورها به خارج ادامه می‌یابد.

۴. کشورهای مهاجرفرست نه تنها از طریق سیاست‌های بازار کار بلکه به کمک بیمه‌های اقتصادی و امنیت بازار سرمایه نیز می‌توانند بر مهاجرت اثر بگذارند. این سیاست‌ها می‌تواند به تعدیل فقر و محرومیت نسبی خانوارها بینجامد و از آن طریق به افزایش تمایل افراد به مهاجرت منجر شود. توجه به این نکته باید در سرلوحه سیاست‌های بازدارنده مهاجرتی قرار گیرد. تا زمانی که خانواده‌های محروم، سهم منصفانه‌ای از منافع درآمدی سایر خانوارها نداشته باشند، تمایل آنان به اعزام افرادی از خانوار خود به خارج از کشور، نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه رو به افزایش نیز خواهد گذاشت.

در تبیین نهایی این تئوری گفته شده است (Massy, 1994) که گرچه نظریه اقتصاد جدید مهاجرتی رو به توسعه بوده و گرایش زیادی به مقبولیت آن وجود دارد، اغلب مطالعاتی که به وسیله پیروان این نظریه انجام شده است مربوط به مهاجرت‌های روستایی از کشورهای در حال رشد به ممالک توسعه یافته است.

در حالی که بخشی از مهاجرتها جنبه فصلی داشته و موانعی نیز بر سر راه استقرار و مکان‌گزینی اعضای خانوار مهاجران در کشورهای مهاجرپذیر وجود دارد. تأکید بر مهاجران از کشورهای در حال توسعه از این لحاظ اهمیت دارد که تفاوت‌های درآمدی آنان در کشورهای مبدأ و مقصد مهاجرت بسیار بالا بوده و همین امر می‌تواند تضمین‌کننده آن استمرار و رشدی باشد که پیروان این نظریه تلاش کرده‌اند تا آن را بر انواع دیگر مهاجرتها نیز اطلاق کنند.

به طور خلاصه باید گفت که هم در تئوری نئوکلاسیکها و هم در نظریه اقتصاد جدید مهاجرتی بر این نکته تأکید شده است که مهاجرت اساساً نتیجه منطقی انتخابی است که افراد یا خانوارها انجام می‌دهند، در حالی که سایر نظریه‌های اقتصادی، در نگرشهای کلان خود، مهاجرتهای بین‌المللی را زائیده نیروهایی می‌دانند که برتر از فرد بوده و در تضاد با خواست و تمایل وی قرار دارد؛ مثلاً در نظریه بازار دوگانه اقتصادی، مهاجرت نتیجه تقاضای دائمی به کارگران خارجی است که از ویژگی‌های ذاتی ساختارهای اقتصادی در کشورهای توسعه یافته بوده و عواملی چند در شکل‌گیری آن ساختارها مؤثر بوده‌اند که از آن میان می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. دستمزدها نه تنها انعکاسی از شرایط عرضه و تقاضاست، بلکه وسیله‌ای برای تأمین منزلت و حیثیت افراد نیز محسوب می‌شود.

۲. از اشتغال به کار کارگران خارجی در سلسله مراتب بالای شغلی جلوگیری می‌شود. کارفرمایان کشورهای توسعه یافته در واقع، به آن گروه از کارگران خارجی نیاز دارند که در رده‌های پایین‌تر شغلی، آن‌هم تنها به منظور کسب درآمد، به کار اشتغال یابند و به دنبال ارتقا در سلسله مراتب شغلی نباشند. معمولاً اغلب افرادی که از کشورهای دارای سطوح درآمدی بسیار پایین‌تر به کشورهای پیشرفته وارد می‌شوند چنین خصوصیتی دارند و این وضع در بین مهاجران فصلی و مهاجران غیرقانونی بیش از دیگران است. این مهاجران به راحتی خود را با دستمزدهای پایین‌تر در کشورهای توسعه یافته وفق می‌دهند که در عین حال بالاتر از میانگین دستمزدها در کشورهای مبدأ مهاجرتی است.

۳. دلیل دیگر وجود مهاجران غیرماهر در کشورهای پیشرفته صنعتی، توسعه ویژگی‌های اقتصاد دوگانه در آنهاست. تمرکز سرمایه در بخش اول و انباشت نیروی کار در بخش دوم، نوعی دوگانگی در بازار کار ایجاد می‌کند. کارگران در بخش اول اقتصادی از ثبات وضع برخوردارند

و ارجاع کارهای تخصصی به آنان امکان انباشت سرمایه انسانی خاص مزرعه را برای مهاجران فراهم می‌کند. در این شرایط به صرفه کارفرما نیست که نیروهای ماهر و کارآزموده خاص مزرعه را که به سادگی نمی‌توان جایگزینی برای آنان پیدا کرد، از دست بدهد و در نتیجه آنان به سرمایه‌های اصلی در این بخش تبدیل می‌شوند و وضع تثبیت شده‌ای می‌یابند. در مقابل کارگران خارجی در بخش دوم اقتصادی دارای بهره‌وری کمتری هستند. اغلب آنان را کارگران غیرماهر تشکیل می‌دهند و به همین دلیل پیدا کردن جایگزین آنان آسان‌تر بوده و هزینه‌ی زیادی را به فعالیت تبدیل می‌شوند و تا زمانی که تحمل هزینه‌های بیکاری آنان برای کارفرما امکان‌پذیر باشد به عنوان کارگران رده‌های پایین شغلی حفظ می‌شوند. چه کارگران محلی علاقه‌ای به داشتن مشاغل نامطمئن در این بخش اقتصادی را ندارند. افت و خیزهای کوتاه مدت عرضه کار در این بخش از ویژگی‌های عمده آن در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی بوده و همین امر درآمد کارگران خارجی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴. نگرش دیگر در توجیه وجود کارگران خارجی در کشورهای پیشرفته اقتصادی نظریه کارل مارکس در زمینه عملکرد سرمایه‌داری بین‌المللی است. در مدل ساختار تاریخی و تئوری سیاست‌های جهانی، منشأ مهاجرت‌های بین‌المللی، اغلب به عدم تعادل‌های نهادی و بخشی نظام سرمایه‌داری جهانی مربوط می‌شود. در این نگرش، نیروی کار در سه قلمرو جغرافیایی: بدنه یا مرکز، حاشیه و نیمه حاشیه جا می‌گیرد. طبیعت و وابستگی سیاسی و اقتصادی قلمروهای فوق و مدیریت و ماهیت سرمایه و کالا، در آن قلمروها، الگوی جا به جایی نیروی کار را شکل می‌بخشد (Picouet, 1975). در مرکز معمولاً تا زمانی که کمبود نسبی افرادی که با دستمزدهای پایینی به کار بپردازند وجود داشته باشد، تقاضا برای نیروی کار شکل مشخص و معینی ندارد. از یک طرف نیاز به نیروی کار ارزان برای حفظ سطح بهره‌وری در فعالیتهایی چون کشاورزی احساس می‌شود و از طرف دیگر، تقاضا برای کارگران صنعتی بویژه در فعالیتهای صنعتی با فناوری بالا پیش می‌آید. حال آن که تجاری شدن تولیدات کشاورزی و تقاضای روزافزون برای آنها، یکپارچه شدن زمینهای زراعی و کشت عمقی، استفاده از فناوری بالا را در حومه و حاشیه پیش می‌آورد که نیاز به نیروی کار را کاهش می‌دهد. جریانی که به تشدید مهاجرت‌های روستا - شهری می‌انجامد و باعث به وجود آمدن مازاد نیروی کار در نقاط شهری می‌شود. نتیجه قهری این وضع، افزایش

میزان بیکاری و کم کاری و سوق دادن نیروی انسانی به بخش غیرمتشکل انسانی و فعالیتهای نازل خدماتی است که پرداختیهای پایین تری دارند. بر اثر این رویداد تعداد زیادی از خانوارها حاشیه ای می شوند و روند انتقال نیروی انسانی از حاشیه به مرکز و اشتغال آنان در فعالیتهای غیرمتشکل اقتصادی باعث نفوذ سرمایه داری حاشیه ای به داخل بدنه می شود.

در تئوری سیستمهای جهانی، مهاجرت اغلب از مستعمرات سابق و سرزمینهای وابسته به مرکز سابق قدرتهای استعماری جریان می یابد و این جریان از طریق وابستگیهای فرهنگی، زبانی، اداری، حمل و نقل و ارتباطاتی که بین آنها وجود داشته است تحکیم می شود.

دیدگاه اجتماعی

گرچه عوامل اقتصادی در مهاجرتها اهمیت بسیار بالایی دارند، همواره نمی توان آنها را عوامل منحصر به فرد برانگیزاننده مهاجرتها محسوب داشت. در مواردی مهاجرت ها برای دوری جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی انجام می گیرد و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش آب و هوا یا زندگی در بطن جامعه، قوم یا فرهنگ خودی، انجام می شود که نه تنها ممکن است انگیزه های اقتصادی نداشته باشد بلکه حتی در جهت عکس آن جریان یابد.

قبول این واقعیت که مهاجرت همواره اداری نیست (Lee,1996) و رانشها و کششهای متنوعی در مبدأ و مقصد مهاجرتی وجود دارد که فرد را به ماندن در محل یا مهاجرت از آن برمی انگیزند، این مسأله را که مهاجرت حتماً تحت تأثیر عوامل اقتصادی است، مورد نفی و تردید قرار می دهد. در طبقه بندی انگیزه های مهاجرتی (Picouet,1975) علاوه بر عوامل ارادی که اغلب جنبه اقتصادی دارد و شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و سایر انگیزه های شغلی است، به انگیزه های متعددی چون انگیزه های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه های مربوط به تحصیل اعضای خانوار، تحمل ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ، تمایل به زندگی در پایتخت یا هر از آنها به دیدگاههای فرهنگی و اجتماعی افراد مربوط می شود و چه بسا به هنگام آغاز مهاجرت و بعد از آن هم بار اقتصادی قابل ذکرى نداشته باشد.

دیدگاه سیاسی

تبیین مهاجرت با نگرشهای سیاسی در وهله اول به قوانین و مقرراتی برمی‌گردد که معمولاً به صورت یک طرفه از سوی کشورهای مهاجرپذیر برای تسهیل پذیرش مهاجران از بعضی از سرزمینها و جلوگیری و محدود کردن آن از برخی دیگر انجام می‌گیرد. علاوه بر آن قوانین و مقرراتی نیز برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده شده و پناهندگان وجود دارد که در اغلب آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می‌شود. هر چند که در مواردی چون پذیرش مهاجران رانده شده یا پناهندگان بر جنبه‌های انسانی و بشردوستانه نیز تأکید می‌شود، در این موارد نیز ملاحظات سیاسی اولویتهای دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

یکی از جنبه‌های غیرملموس مهاجرت‌های سیاسی به ترکیب قومی، نژادی و فرهنگی کشورهای مهاجرفرست برمی‌گردد. در مواردی که به دلیل اعمال سیاستهای زورمدارانه، ایجاد هم‌نواپی و تحکیم علقه‌های همبستگی ملی بین گروه‌های مختلف قومی، نژادی و فرهنگی تشکیل دهنده یک کشور با مشکلات اساسی مواجه شود، نوعی بی‌تفاوتی به آرمانهای ملی در ایالت‌هایی که از اکثریت گروهی خاصی تشکیل شده اند شکل می‌گیرد به آرمانهای ملی در ایالت‌هایی که از اکثریت گروهی خاصی تشکیل شده اند شکل می‌گیرد و در صورتی که امکان خودمختاری و جدایی برای آنان وجود نداشته باشد، شکلی از انزوا و بی‌تفاوتی را نسبت به آرمانهای ملی پیش می‌آورد که ممکن است ترک ولایت و پیوستن به گروه‌های پناهنده را به دنبال داشته باشد. امروزه نمونه‌های زیادی از این نوع در کشورهای آسیایی، افریقایی و امریکای لاتین وجود دارد که سختگیری‌های بعدی گروه حاکم نیز معمولاً آن را تشدید کرده و آنان را به معضل بزرگ ناراضیان سیاسی تبدیل کرده است که در شرایط جاری، نه راه بازگشت به کشور اصلی و نه امکان جذب سهل و ساده، به عنوان مهاجر در سرزمینهای مقیم را دارند. چه علی‌الاصول پناهندگان باید پس از تغییر شرایطی که منجر به پناهندگی آنان شده است به سرزمین اصلی خود بازگردند.

دیدگاه سیستمی

خرده‌گیری‌های زیادی به گرایشهای اقتصاددانان کلاسیک، نئوکلاسیکها و بویژه نگرشهای مربوط به اقتصاد دوگانه مطرح شده است (رئیس دانا، ۱۳۷۶). با پذیرش این انتقادات باید گفت که اصولاً طرح هر نظریه جدیدی با انتقاد از دیدگاههای قبلی و نشان دادن نکات ضعف آنها انجام

گرفته و از این طریق توسعه و تکامل علمی را امکان پذیر کرده است. در تلاش برای طرح نگرشی جامع به مسأله مهاجرت‌های بین‌المللی (Kritz, Lim and Zlotink. 1992) به تلفیق و تکمیل دیدگاه‌های مختلف پرداخته و بر پویایی جریان‌های مهاجرتی تأکید کرده‌اند. به نظر آنان مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند به طور تنگاتنگی با سایر علقه‌های موجود بین آن دو ارتباط دارند. علقه‌هایی که در هم تنیده شده و سیستمی را به وجود می‌آورند که مهاجرت را شکل داده و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند. از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به صورتی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند بلکه به عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می‌بخشند.

گرچه کر تیز و همکاران وی در طرح دیدگاه سیستمی در تبیین مهاجرت‌ها از دیگران موفقتر بوده‌اند، اولین نظرپردازی‌ها در این زمینه با استفاده از نظریات سیستمی در علوم محض به وسیله افرادی چون موبوگنج، به قلمرو علوم اجتماعی کشانده شد تا بتوانند چهارچوب مشخصی را برای درک ابعاد پیچیده آن به دست دهد.

نظریه سرمایه انسانی [۳]

نظریه سرمایه انسانی در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای نیروی انسانی پرورده بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد (ارشاد، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

سرمایه انسانی معمولاً تحصیل کرده‌های دانشگاهی و تمام گروه‌های فنی و غیرفنی مورد نیاز در همه عرصه‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد (خادم، ۱۳۷۰، ص ۶۷).

به عبارت دیگر سرمایه انسانی عبارت است از؛ علم، دانش، تخصص، مهارت، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت‌ها که به وسیله آموزش در نیروی کار جامعه ذخیره می‌شود و سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌شود. بنابراین منابع انسانی مانند دانشمندان، مهندسان، متخصصان، نیروی کار ماهر به عنوان سرمایه انسانی تلقی می‌شوند (وقوفی، ۱۳۷۱، ص ۲۷).

نظریه سرمایه گذاری انسانی شاستاد[۴]

نظریه شاستاد (۱۹۶۲) عنوان می کند که تصمیم گیری برای مهاجرت، یک گونه تصمیم به سرمایه گذاری است که در آن هزینه ها و دستاوردهای شخص [مهاجر] که در طول زمان واقعیت می یابد، در نظر گرفته می شود. دستاوردها شامل عناصر پولی و غیرپولی است. از جمله عناصر غیرپولی می توان تحول در «بهره گیریهای روانی» را ذکر کرد که نتیجه ترجیح دادن مکانی بر مکان دیگر است. هزینه ها نیز شامل عناصر پولی و غیرپولی است. از جمله هزینه های پولی می توان مخارج ترابری، دور ریختی بعضی وسایل و اموال، قطع دستمزد در طول جابجایی و هرگونه هزینه کارآموزی برای اشتغال تازه را ذکر نمود. هزینه های روانی، دربرگیرنده عواملی از قبیل ترک محیط آشنا، پذیرش عاداتهای تازه غذایی و اجتماعی و مانند آن است. چون اندازه گیری این عوامل دشوار است. آزمونهای علمی عموماً محدود به بررسی متغیرهای درآمد می شود.

نظریه شاستاد بر این فرض بنا شده که انسان تمایل دارد درآمد خالص واقعی دوران زندگی شغلی خود را به حداکثر برساند و نیز پذیرفته می شود که مردم لاقفل می توانند جریانهای درآمد دوران زندگی شان را که در مکان اقامتگاه کنونی و نیز در تمام کوچگاههای احتمالی به دست می آورند، محاسبه کنند(ارشاد، ۱۳۷۰، ص ۷۳).

سوالات تحقیق

- چه نسبتی از زنان ایرانی مهاجر به کلگری شاغل هستند؟
- عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چیست ؟
- سهم هر یک از عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چه مقدار است؟
- مشکلات زنان ایرانی مهاجر به کلگری در ارتباط با شغل شان چیست ؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش پیمایشی برای پاسخگویی به سؤالات اساسی تحقیق بهره گیری شده است .

روش پیمایشی

روشهای پیمایشی، مراجعه مستقیم به افراد و پرس و جو از آنها در مورد گرایش ها، نظرات و تفکرات آنهاست. تحقیقات پیمایشی، از نوع مطالعات پهنانگر (کمی) بوده که می تواند قابلیت آزمون پذیری و تعمیم پذیری داشته باشد و در بُعد خرد قرار دارد(بیکر، ۱۳۷۷، دواس، ۱۳۷۶).

ابزار و تکنیک جمع آوری اطلاعات

در پژوهش حاضر، از ابزار پرسشنامه و تکنیک کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است

جامعه آماری

از آن جا که هدف این پژوهش بررسی "عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری" می باشد، جامعه مورد مطالعه زنان ایرانی مهاجر به کلگری است.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

در این پژوهش به دلایل ذیل از روش های نمونه گیری استفاده نکردیم:

- نبود آمار دقیق از شمار ایرانیان مهاجر به کانادا (شهر کلگری)

- نبود آمار به تفکیک جنسیت از ایرانیان مهاجر

- عدم معرفی ایرانیان به عنوان فردی ایرانی در مراکز مختلف

- تعداد کم ایرانیان شناخته شده در شهر کلگری

- عدم اعتماد زنان مهاجر برای پاسخگویی به سوالات پرسشنامه.

- عدم همکاری زنان ایرانی مهاجر برای پاسخگویی به سوالات پرسشنامه.

سنجش اعتبار و قابلیت اعتماد ابزار سنجش

الف - اعتبار ابزار سنجش

در پژوهش حاضر برای سنجش اعتبار ابزار سنجش از روش "اعتبار صوری" استفاده شده است؛ با توجه به این که پرسشنامه پژوهش توسط محقق تهیه شده است، لذا برای محاسبه روایی آن پرسشنامه اولیه به تعدادی از اساتید و متخصصان رشته جامعه شناسی در ایران و کانادا، هم چنین به اداره "زنان مهاجر در شهر کلگری" ارائه شد، و بدین ترتیب تعداد گویه ها از ۶۹ به ۵۳ کاهش یافت، سپس بعد از نظر سنجی نهایی از متخصصان و اساتید و تایید نهایی استاد راهنما تکمیل گردید.

ب - پایایی ابزار سنجش

در پژوهش حاضر، برای سنجش پایایی از روش "الفای کرانباخ" استفاده کرده ایم. که مقدار آلفای کرانباخ ۰.۹۶ است، که بیانگر همبستگی درونی بالای است.

یافته‌های تحقیق

اکثریت قابل توجهی از زنان مهاجر به کلگری از لحاظ وضعیت مهاجرت، در وضعیت " اقامت دائم " قرار دارند(۴۰ درصد)، و ۲۸ درصد از پاسخگویان در وضعیت شهروندی و فقط ۲ درصد در وضعیت توریستی قرار دارند.

هم چنین ۳۴ درصد از زنان مهاجر به دلیل تحصیلات همسرشان، و ۳۲ درصد به دلایل فرهنگی- اجتماعی، و ۱۴ درصد به دلیل تحصیلات خودشان و ۸ درصد به دلیل تحصیل فرزندانشان و عوامل شغلی و ۴ درصد به دلایل سیاسی به کلگری مهاجرت کرده‌اند.

هم چنین از نظر رضایت از مهاجرت به کلگری، ۳۶ درصد از زنان مهاجر در حد زیاد، ۳۰ درصد در حد متوسط، ۲۴ درصد در حد خیلی زیاد، ۸ درصد در حد کم و ۲ درصد اصلا، از مهاجرت به کانادا رضایت دارند.

در پاسخ به سوال اول؛ که چه نسبتی از زنان ایرانی مهاجر به کلگری شاغل هستند؟ جدول توزیع فراوانی شاخص کیفی "وضعیت اشتغال در کانادا" نشان می‌دهد که؛ ۷۴درصد زنان مهاجر در کانادا شاغل و ۲۶ درصد غیر شاغل می‌باشند.

جدول شماره (۱)توزیع فراوانی مطلق و درصدی شاخص کیفی وضعیت اشتغال در کانادا

	f	%	f	%	f	%
شاغل	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴	۷۴
غیر شاغل	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در پاسخ به سوال دوم؛ عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چیست؟ با مطالعه پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی، استفاده از نظریات مطرح شده، می‌توان عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر را چنین مطرح نمود؛

۱. مدت اقامت در کانادا
۲. مهارت زبانی
۳. تحصیلات
۴. تجربه کاری

۵. سن
۶. وضعیت تاهل
۷. تعداد فرزندان خردسال
۸. میزان متوسط درآمد

در پاسخ به سوال سوم؛ سهم هر یک از عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری چه مقدار است؟

از آن جایی که متغیر وابسته "وضعیت اشتغال" از نوع اسمی دو وجهی (بلی، خیر) می باشد، از رگرسیون لجستیک استفاده می کنیم؛ با انجام رگرسیون لجستیک بر روی وضعیت اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کلگری، که احتمال شاغل شدن از بی شاغلی را نشان می دهد؛ با کنترل ترکیب های متفاوت از متغیرهای مختلف، به جزء "متغیر مدت اقامت"، هیچ یک از دیگر متغیرها، دارای اثر معناداری بر احتمال ارتقاء اشتغال زنان ایرانی مهاجر نمی باشد، هم چنین متغیر "مدت اقامت" علیرغم این که انتظار می رود، هر چه فرد بیش تر در کلگری اقامت دارد، احتمال یافتن شغل بالا برود، اثر متغیر "مدت اقامت" بر احتمال اشتغال منفی است، و احتمال اشتغال را به مقدار ۰.۴۸ کاهش می دهد.

اثر مدت اقامت بر احتمال اشتغال زنان مهاجر از نظر آماری شرایط خوبی را نشان می دهد، اگر چه یافته ها با تئوری هماهنگ نیستند، اما نتایج صحیح می باشند، از آن جایی که؛ با اعمال روش رگرسیون لجستیک نرم افزار در گام اول، با ورود constant، و در گام دوم، با ورود متغیر "مدت اقامت" مقدار کیدو (chi-square) تغییر کرده، که معناداری ورود متغیر "مدت اقامت" بر پیش بینی وضعیت اشتغال زنان ایرانی مهاجر را نشان می دهد، که متغیر اقامت برای پیش بینی وضعیت اشتغال زنان ایرانی مهاجر دارای اثر معناداری است.

جدول شماره (۲) رابطه مدت اقامت و وضعیت اشتغال در کانادا

Dependent Variable Encoding

Original Value	Internal Value
.00	0
1.00	1

Omnibus Tests of Model Coefficients

		Chi-square	df	Sig.
Step 1	Step	15.859	1	.000
	Block	15.859	1	.000
	Model	15.859	1	.000

Step Summary^{a,b}

Step	Improvement			Model			Correct Class %	Variable
	Chi-square	df	Sig.	Chi-square	df	Sig.		
1	15.859	1	.000	15.859	1	.000	86.0%	اقامت: IN

a. No more variables can be deleted from or added to the current model.

b. End block: 1

آمار ناگل کرک [۵] برابر با ۰.۳۹۸ و آمار کاک اسنر [۶] ۰.۲۷۲، این دو آماره دارای تفسیر شبه R^2 هستند، به نظر می رسد متغیر اقامت قریب به ۴۰ درصد واریانس احتمال شغل یابی را توضیح می دهد.

Model Summary

Step	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	41.446	.272	.398

آزمون هسمر-لمشو [۷] معنادار نیست، که مطلوب است، یعنی ارزش های پیش بینی شده با مدل ارزش های واقعی تفاوت معناداری ندارد،

Hosmer and Lemeshow Test

Step	Chi-square	df	Sig.
1	10.480	6	.106

Contingency Table for Hosmer and Lemeshow Test

		JOB3 = .00		JOB3 = 1.00		Total
		Observed	Expected	Observed	Expected	
Step 1	1	4	3.996	0	.004	4
	2	5	4.963	0	.037	5
	3	6	5.856	0	.144	6
	4	4	3.771	0	.229	4
	5	4	5.281	2	.719	6
	6	3	2.983	1	1.017	4
	7	7	3.807	0	3.193	7
	8	4	6.344	10	7.656	14

جدول پیش بینی طبقات [۸]، ۸۶ درصد را نشان می دهد، یعنی معادله رگرسیونی ۸۶ درصد جواب ها را در جای خود قرار می دهد (بلی-بلی / خیر-خیر)

Classification Table ^a

Observed	JOB3	Predicted			
		JOB3		Percentage Correct	
		.00	1.00		
Step 1	JOB3	.00	33	4	89.2
	Overall Percentage	1.00	3	10	76.9
					86.0

^a. The cut value is .500

هم چنین مقدار B رگرسیونی برای متغیر اقامت برابر ۰.۷۲۷- می باشد، آمار Wald، ۶.۹۰۴، و sig=0.009 که معنادار است، علاوه بر آن، مقدار ثابت Constant برابر با ۰.۹۱۵ و آماره Wald برابر با ۲.۰۵۶ و sig= 0.152 که معنادار نیست، اما کسر برتینی (لوجیت) متغیر اقامت نشان می دهد که با افزایش هر سال اقامت زنان ایرانی در کلگری، احتمال شغل یابی آنها ۰.۴۸ کاهش می یابد؛

Variables in the Equation

	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)	
Step 1	اقامت	-.727	.277	6.904	1	.009	.483
1	Constant	.915	.638	2.056	1	.152	2.497

^a. Variable(s) entered on step 1: اقامت.

Casewise List ^b

Case	Selected Status ^a	Observed	Predicted	Predicted Group	Temporary Variable	
		JOB3			Resid	ZResid
38	S	1**	.120	0	.880	2.709
41	S	1**	.120	0	.880	2.709

^a. S = Selected, U = Unselected cases, and ** = Misclassified cases.

^b. Cases with studentized residuals greater than 2.000 are listed.

نتایج نشان می دهد که تئوری ها و داده های ما صحیح می باشند؛ هم چنین دلایلی را که می تواند این وضعیت را تبیین نماید، عبارتند از:

۱. تعداد جامعه آماری نمونه حاضر کم می باشد. (N=50)
 ۲. افراد نمونه در دسترس ما اکثراً شاغل بوده اند (۳۷ نفر، ۷۴ درصد)، بنابراین در عمل شغل واریانس ندارد.
 ۳. از سوی دیگر، قسمت اعظم افراد نمونه حاضر مدت زمان کمی (یکسال) در کلگری اقامت دارند، (۱۴ نفر، ۲۸ درصد).
 ۴. مهم تر آن که، مهاجرین به کانادا افرادی گزینشی می باشند، به عبارت دیگر، افرادی از ایران به کانادا مهاجرت می کنند، که دارای شرایط خاصی می باشند، هم چنین قوانین دولت کانادا افرادی را می پذیرد، که دارای شرایط و موقعیت های خاص و عالی باشند، به عنوان مثال؛ افرادی جوان، در سطوح تحصیلی عالی که مهارت زبانی آنها در حد بالایی است، ...
 ۵. علاوه بر آن، در سال ۲۰۰۵، نیروی شاغل کلگری ۶۴۹۳۰۰ نفر، ۷۶.۳ درصد بوده است. در سال ۲۰۰۶، کلگری کمترین نرخ بیکاری ۳.۲ درصد را در میان شهرهای مهم کانادا دارا بوده است (Janz, 2001).
- بنابراین عوامل یاد شده احتمال شغل یابی را افزایش می دهد، منجر به بیکاری تعداد کمی از ایرانیان مهاجر (۱۳ نفر، ۱۳ درصد) شده است.
- در پاسخ به سوال چهارم؛ مشکلات زنان ایرانی مهاجر به کلگری در ارتباط با شغل شان چیست؟
مشکلات زنان ایرانی مهاجر به کلگری در ارتباط با شغل شان به شرح ذیل می باشد؛
۱. سازمان ها و مؤسسات کانادایی، معمولاً مدارک تحصیلی ایران را قبول ندارند (حتی مدارک تحصیلی کشورهای اروپایی، آمریکا، یا حتی سایر استان های کانادا در استانی دیگر به دشواری قابل قبول است). لذا فرد مجبور است مجدد درس بخواند، یا بعضی واحدهایی را که مورد قبول نیست، در دانشگاه دوباره بگذراند تا مدرک تحصیلی اش مورد قبول واقع شود. این دوره آموزشی برای افرادی که می خواهند در رشته تخصصی خود کار کنند، ضروری است.
 ۲. برای پیدا کردن کار، فرد باید تجربه کاری داشته باشد. اما تجربه کار در خارج از کانادا، چندان مفید واقع نمی شود. و باید که در خود کانادا تجربه کاری داشت. داشتن حداقل شش ماه تجربه کاری ضروری است. برای کسب تجربه در کانادا، بهتر است فرد مهاجر پس از کسب معلومات و گذراندن دوره های آموزشی به دنبال کاری با حداقل دستمزد بگردد تا بتواند تجربه بیاموزد.

۳. بسته به این که استعداد و مهارت فرد در چه حدی است از سه ماه تا شش سال طول می کشد ، تا فرد تحصیلاتش را تکمیل نماید و کاری پیدا کند. در صورتی که فردی «تاپ» باشد، یعنی علاوه بر تسلط بر زبان ، در کارش برجسته باشد یا به نوعی شناخته شده باشد و به نحوی بتواند مهارت های بالای خود را به طریق ارائه دهد ، که صاحبان سازمان ها را متقاعد کند، ممکن است بتواند در همان هفته های اول یا ماه های اول کار پیدا کند. در غیر این صورت، در حالت عادی برای اکثر افراد متوسط، کاریابی متناسب با مدارک تحصیلی مدتی طولانی نیاز دارد.

۴. اگر شخص موقع مهاجرت، هزینه چند سال گذران زندگی خود را (مثلاً از قرار ماهی دو هزار دلار کانادا) همراه داشته باشد ، می تواند با آرامش خاطر به کسب معلومات و تجربه کاری بپردازد. در غیر این صورت مجبور است به کارهای سطح پایین و کم درآمد تن در دهد که همین ممکن است او را از دست یافتن به تحصیل و تجربه کاری باز دارد.

۵. کسب و کار و تحصیلات و تجربه کاری ، منوط به تسلط به زبان انگلیسی (یا فرانسه) است.

۶. وقتی فرد کار پیدا کرد باید سخت بکوشد تا کاری را که پیدا کرده از دست ندهد، و انجام

این کار آسان تر از پیدا کردن خود کار نیست.

هم چنین عواملی دیگری مانند؛ ادامه تحصیل ، نگهداری از فرزندان خردسال به دلیل گرانی هزینه های مهدکودک ، عدم آمادگی برای پذیرش مشاغل در بدو ورود و نداشتن اجازه کار مانع از اشتغال زنان ایرانی مهاجر می شود.

در نمونه حاضر ؛ همانطور که نتایج نشان می دهد ؛ اکثریت قابل توجهی از زنان مهاجر به دلیل ادامه تحصیل قادر به کار کردن نمی باشند (۸ درصد) ، و ۶ درصد از زنان به دلیل نگهداری از فرزندان خردسال شان به دلیل گرانی هزینه های مهدکودک قادر به کار کردن نیستند، ۴ درصد به دلایل عدم تسلط به زبان انگلیسی و عدم آمادگی برای پذیرش مشاغل در بدو ورود بیکار هستند ، و ۲ درصد به دلیل عدم اعتبار مدرک تحصیلی اخذ شده از ایران و نداشتن اجازه کار نمی توانستند کار کنند.

نتیجه گیری

تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مهاجرت کارگران به خارج، پدیده‌ای جزئی به شمار می‌آمد، امروزه این گونه مهاجرت به صورت نمود بارزی از جریان قدرتمند جهانی شدن اقتصاد در دنیا در آمده و تأثیری عمیق بر اقتصاد و نیروی انسانی بیش از ۱۰۰ کشور جهان دارد (ارشاد، ۱۳۸۰). در کانادا مهاجران بخش عظیم و پویای جمعیت را تشکیل می‌دهند. نتایج سرشماری سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که کل جمعیت مهاجر به کانادا ۵۴۴۸۴۸۰ نفر، بالغ بر ۶ درصد جمعیت است (Friedberg and Hunt, 1995).

کسی که از ایران به کانادا مهاجرت می‌کند، قبلاً کار می‌کرده است و کارش را ترک کرده، و یا بیکار بوده و حال می‌خواهد در کانادا کار کند. در هر دو صورت پیدا کردن کار اولین مسئله‌ای است که اکثر مهاجران با آن رو به رو می‌شوند.

شغل نمایانگر منزلت اجتماعی فرد مهاجر است، از این رو نوع و چگونگی موفقیت شغلی در شناسایی اجتماعی او اهمیت به‌سزایی دارد. در همین راستا موفقیت مادی و شغلی، در رضایت فرد از زندگی و احساس رضایت از محیط تأثیر فراوانی دارد. بیش‌تر کسانی که احساس رضایت چندانی از کانادا نمی‌کنند، معمولاً افرادی هستند که در حد انتظارشان از نظر مادی و شغلی موفق نبوده‌اند، این افراد ناراضی هستند، زیرا چندان دستاوردی نداشتند. شرایط اقتصادی زندگی در کانادا به‌ویژه کار و میزان درآمد شاید مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رضایت از زندگی، از کانادا و از مهاجرت باشد. به قول یک مهندس تازه فارغ‌التحصیل:

اگر دو ماه پیش از من می‌پرسیدید آیا از کانادا آمدنم راضی هستم؛ حتماً می‌گفتم، نه، اما حالا که درس تمام شده و پیشنهادهای کاری زیادی به من شده، مخصوصاً پیشنهاد کار از طرف شرکت‌های آمریکایی، احساس می‌کنم زحمتم دارد به بار می‌نشیند و پس از چهار سال برای اولین بار می‌توانم بگویم از آمدنم راضی هستم.

پس پیدا کردن کار مناسب با حقوق مکفی جنبه حیاتی دارد. زیرا پیدا کردن کار با مشکلاتی همراه است. در کانادا به خارجی که تخصص کمی داشته باشد، با اکراه کار می‌دهند، اما اگر شخص در کارش تخصص داشته باشد، معمولاً بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شود. در کانادا هیچ متخصص برجسته خارجی (از جمله ایرانی) ندیدیم که به جایی نرسیده باشد. به عنوان مثال: خانم مهندسی که در ایران در شرکت نفت کار می‌کرد، سه ماه بعد از این که وارد کانادا شده بود، در یک شرکت نفتی شروع به کار کرد، و سرپرست بخشی شد، که چندین کانادایی نیز زیر دستش

کار می کردند، آن ها نسبت به او حسادت می ورزیدند ، او تسلط زیادی به زبان انگلیسی داشت، و در کارش خبره بود. درآمد خوبی داشت و شرکت امکانات زیادی در اختیارش گذاشته بود. بنابراین با استناد به نظریات مطرح شده ، و مطالعات پیمایشی و توصیفی و آزمون های آماری ، می توان عوامل موثر بر اشتغال زنان ایرانی مهاجر به کانادا و رضایت شغلی آن ها در سال ۲۰۰۹ بدین گونه تبیین کرد ؛

مدت اقامت در کانادا ، مهارت زبانی ، تحصیلات (از ایران و کانادا) ، تجربه کاری (در ایران و کانادا) ، سن زنان ، وضعیت تاهل و داشتن فرزند (فرزندان خردسال) و میزان متوسط درآمد .

که در ذیل به تشریح بعضی از عوامل موثر می پردازیم ؛

زبان، مهم ترین وسیله ارتباط فرهنگی است ، میزان درک افراد از فرهنگ و جامعه و اعضای آن به میزان تسلط به زبان آن جامعه بستگی دارد

- ایرانیان از نظر میزان تسلط به زبان طیف وسیعی را تشکیل می دهند، افراد با سوادتر با تحصیلات عالی آشنایی بیشتر به زبان دارند. این که چه تعداد ایرانی به چه میزانی به زبان تسلط دارند، بستگی به نوع مهاجرین، سیاست مهاجرت و پناهنده پذیری کانادا در زمان های مختلف دارد. مثلاً طبق آمار، تعداد مهاجران ایرانی با مدرک دیپلم یا کمتر در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است؛ لذا می توان گفت که مهاجران ایرانی اخیر آشنایی کمتری به زبان دارند. چون در این باره آمار رسمی در دست نیست لذا فقط می توان به این قبیل نشانه های غیرمستقیم استناد کرد.

- آن هایی که آشنایی کمتری نسبت به زبان دارند، الزاماً درکشان از جامعه کانادا ضعیف تر و ارزیابی آن ها از این جامعه در مجموع نامطلوب تر و منفی تر است. افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و در زمینه تخصصی خود به کار مشغولند نه تنها می توانند از مواهب فرهنگی جامعه کانادا بهتر استفاده کنند بلکه نسبت به این کشور نظر مثبت تری نیز دارند. (فقط آن هایی که زبان خوب بلدند می توانند از مجله، کتاب، فیلم، گالری، موزه، تئاتر و ... استفاده کنند).

- آشنایی با زبان کمک می کند ، که فرد در زمینه تخصصی خود، کار پیدا کند. آن هایی که در این مقوله می گنجند موفق ترین افراد هستند ؛ زیرا آن ها هم در حرفه خود مشغول به کارند و هم به خاطر تسلط به زبان می توانند ارتباطات بهتری برقرار کنند و عناصر فرهنگی جامعه را بهتر و بیشتر درک کنند.

- افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، اما تسلط کافی به زبان ندارند، نمی‌توانند در رشته تخصصی خود کار پیدا کنند. و اگر هم موفق به پیدا کردن شوند، هرگز موفق نمی‌شوند به نحو احسن استعدادها و معلومات خود را در معرض نمایش بگذارند. و اگر فرد در زمینه کاری خودش برجسته نباشد، نمی‌تواند جای پای برای خود باز کند. به قول دوستی که مقیم کانادا است:

کسی که نتواند استعدادهایش را نشان دهد به ته خط می‌افتد. این مصداق ایرانیانی است که استعداد و مهارت دارند اما زبان گویا برای ابراز ندارند.

هم چنین سن مهاجر می‌تواند در موفقیت و چگونگی زندگی او، تعیین کننده باشد.

سن از چند لحاظ روی زندگی و موفقیت فرد مهاجر اثر می‌گذارد:

- میزان تسلط به زبان در موفقیت فرد تعیین کننده است و سن روی یادگیری زبان اثر مستقیم دارد،

- اصولاً یادگیری و تطبیق با محیط با افزایش سن مشکل تر می‌شود زیرا که عادات و خلیات شکل گرفته به آسانی قابل تغییر نیست،

- از آن جایی که کسب تجربه مستلزم زمان است، جوان ترها بیشتر وقت و فرصت دارند تا در محیط جدید تجربیاتی بیاموزند، در حالی که مسن ترها فرصت زیادی برای صبر کردن، آزمون و خطا و ایجاد ارتباطات لازم را ندارند،

- بالاخره با افزایش سن، امکان داشتن خانواده و بچه یا بچه‌ها بیشتر می‌شود و فرد در قبال خانواده ای مسئولیت بیشتری نسبت به مجردها (که اغلب جوان هستند) پیدا می‌کند. بدین ترتیب امکان سرمایه گذاری و صرف وقت، روی کار، شغل و تحصیل کمتر شده و به همان نسبت امکان موفقیت کمتر می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مهم و تاثیر گذار، داشتن بچه است.

وضعیت تأهل، بدون فرزند، ممکن است عامل منفی یا مثبت در راه موفقیت مهاجران باشد.

داشتن بچه قطعاً اثر منفی دارد زیرا:

- اصولاً داشتن بچه هزینه بر است.

- مانع کار کردن مادر می‌شود، نگهداری و پرستاری از او مشکلات مادر را شدیدتر می‌کند.

- بچه های خردسال (قبل ورود به مدرسه) ، نیازمند مراقبت بیشتری هستند .
- اگر بچه نوجوان باشد، ممکن است بر مشکلات خانوادگی بیافزاید.
- در صورت جدایی احتمالی زن و شوهر، وجود بچه موجب بروز اختلالات روانی و سایر مشکلات می شود که کمترین نتیجه منفی آن، اتلاف وقت و پول است.

بنابراین در کل می توان نتیجه گرفت که:

زنان ایرانی که مدت بیشتری در کانادا اقامت دارند، از آن جایی که مهارت زبانی شان افزایش می یابد ، و هم چنین اگر ادامه تحصیل دهند ، امکان اشغالشان - حتی در مراتب عالی تر شغلی - فراهم تر است ، در نتیجه ، مهارت زبانی بیشتر ، مدارک تحصیلی از کانادا و تجربه کاری در کانادا ، امکان دریافت حقوق بیشتر را موجب می شود ، از سوی دیگر ، مجموع این عوامل منجر به افزایش رضایت شغلی و در نهایت رضایت از مهاجرت به کانادا خواهد شد . در صورتی که بخواهیم نتایج تحقیق را به صورت نمودار نمایش دهیم، به شکل ذیل خواهد بود:

مدت بیشتر اقامت در کانادا ← افزایش مهارت زبانی ← امکان ادامه تحصیل ← امکان اشتغال در عناوین بالای شغلی ← تجربه کاری در کانادا ← درآمد بیشتر ← رضایت شغلی بالاتر ← رضایت بیشتر از مهاجرت به کانادا

پی نوشت ها

- | | |
|---------------------|-------------------------|
| 1- Calgary | 5-Nagelkerke |
| 2- Labour Migration | 6- Cox & snell) |
| 3- Human capital | 7- Hosmer & Lemeshow |
| 4- Sjaastad | 8- Classification Table |

فهرست منابع و مآخذ

- ابراهیم آبادی ، حسن (۱۳۷۹). **مهاجرت نخبگان**. تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات ، اوبرای ، اس (۱۳۷۰). "مهاجرت، شهرنشینی و توسعه". **فرهنگ ارشاد**. تهران ، موسسه کار و تامین اجتماعی ، ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰). «مبانی نظری فرار مغزها». **نامه انجمن جامعه شناسی ایران**. شماره ۵، استالکر ، پیتر (۱۳۸۰). "کار در غربت". **فرهنگ ارشاد**. تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی ، اکبری خنجی ، نظام (۱۳۸۲). **مهاجرت و سازگاری**. شیراز : نوید شیراز ، امانی ، مهدی و دیگران (۱۳۵۴). **لغت نامه جمعیت شناسی**. تهران : دانشگاه تهران ،

- الوانی، مهدی (۱۳۶۸). **مدیریت عمومی**. تهران: نشر نی،
ایران نژاد پاریزی، مهدی؛ و ساسان گهر، پرویز (۱۳۷۱). **سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل**. تهران: موسسه بانکداری ایران،
بیکر، ترزال (۱۳۸۶). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی،
خباز بهشتی، زهرا (۱۳۸۰). **مهاجرت، بررسی مشکلات مهاجران در جهان**. تهران: آشیانه،
جانسون، چالمرز (۱۳۵۸). **تحول انقلابی**. ترجمه حمید الیاسی. تهران: امیرکبیر،
دواس، دی ای (۱۳۸۶). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی،
رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). **تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: شرکت سهامی انتشار،
رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱). **کندوکاوها و پنداشته ها**. تهران: شرکت سهامی انتشار،
زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). **مهاجرت**. تهران: سمت،
ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). **روش های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
ساعت چی، محمود (۱۳۶۹). **روان شناسی در کار**. تهران: سازمان و مدیریت مرکز آموزش مدیریت دولتی،
ستوده، هدایت ا... (۱۳۸۴). **جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران**. چاپ اول. تهران: ندای آریانا،
سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). **جامعه شناسی اشتغال زنان**. تهران: تیان،
شریعی، علی (۱۳۶۱). **جهان بینی و ایدئولوژی**. تهران: انتشارات چاپ پخش،
صفری شالی، رضا (۱۳۸۶). **راهنمای تدوین طرح تحقیق**. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ،
محمدی، بیوک (۱۳۸۰). **زندگی ایرانیان در کانادا**. تهران: واژه آرا،
مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۵). **عوامل مؤثر در رضایت زن و شوهر**. چاپ اول. تهران: مبتکران،
مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). **تعاریف و مفاهیم استاندارد برای استفاده در طرح ها و گزارش های آماری**.
لهسایی زاده، عبد العلی (۱۳۶۸). **نظریات مهاجرت**. شیراز: دانشگاه شیراز،
وقوفی، حسن (۱۳۸۰). **فرار مغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون**. چاپ اول. تهران: انتشارات زهد،
هومن، حیدرعلی (۱۳۷۷). **پایه های پژوهش در علوم رفتاری**. چاپ اول. تهران: سمت،

مقاله های اینترنتی

- احدی، حمید (۱۳۸۵). "هزاران تحصیل کرده از ایران می روند". www.irandokht.com
ارمان، بهروز (۱۳۸۳). "چالشگری زنان مهاجر علیه نقش مردان". www.news.gooya.com
ازادیان، عباس (۱۳۸۵). "مسائل و مشکلات مهاجرت". www.news.gooya.com
بهرنگ، مرآت (۲۰۰۷). "مهاجرت و زندگی زناشویی". www.kare-online.org
روزنامه اعتماد ملی، "مهاجرت زنانه". www.magiran.com
کانادا از نگاه مهاجر، "روابط زن و شوهر های ایرانی در کانادا". www.canadablogfa.com
گزارش اداره امار مهاجران و تازه واردین کانادا. ۲۰۰۷/۹/۱۰.

صحرائی، فریبا (۱۳۸۶) "زنان و مهاجرت" .۱۳۸۶/۱/. www.radiozamaneh.org

پایان نامه

سراج، شهناز (۱۳۸۶). "بررسی علل مهاجرت نخبگان در عرصه فرهنگی-اجتماعی". کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، شریفی، منصور (۱۳۷۶). "بررسی گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،
شهبازی، مظفرالدین (۱۳۸۶). "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش نخبگان علمی به مهاجرت در عصر اطلاعات و جهانی شدن و پی آمد های آن در ایران". رساله دکتری جامعه شناسی،
طاهری کیا، فریز (۱۳۸۰). "بررسی عوامل موثر در رضایت خدمت گیرندگان خدمات گمرکی (گمرک مهرآباد)". کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی،
علوی، محسن (۱۳۸۰). "بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی رؤسای ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستانهای استان فارس"، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی،
میررکنی، مهدی (۱۳۸۰). "بررسی رابطه بین جوسازمانی و رضایت شغلی کارکنان در دانشگاه صنعت نفت". کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی،

Ambwani, Vinita. " Employment inequities and minority women ". Carleton University, Ontario, Canada .

Adsera, Alicia, chiswick, Barry, r. . " Are there gender and country of origin differences in immigrant labour market outcomes across European destination?" July 2006.

Aydemir, Abdurrahman, Skuterud, Mikal. "The immigrant wage differential within and across establishment" Cornell University. Vol.61, No.3, 2008.

Becker, Gary(1983). **Human Capital**. university of Chicago,

Bovee, Houston(1995). **Marketing**. 2end Edition,

Becker, G.S. (1957).**The economics of discrimination** .Chicago University Press,

Chiswick BR(1986).**Human capital and labor market adjustment of**

immigrants.vol4.Jai,Greenwich,CT,

Chiswick BR, Miller PW(1998)." English language fluency among immigrants in united States.**ResLabour Econ** 17:151-200.

Cobb-Clark DA,(2001)"Afamily affair:the labor market experience of immigrant spouses.**SocSciQ**82(2):796-811.

Evans ,MDR, (1984)." Immigrant women in Australia:resources ,family and work . **Int Migr Rev** 18

Forotan, Yaghoob." Migration differentials in women's market employment: an empirical and multicultural analysis". **IMR**, Vol42, 2008.

Hugh, J. Arnold and Daniel C.feldemen(1988).**organizational Behavior** . McGraw- Hill,

Harold Kountze and Heinz Weihrich(1988).**Manazement Singapore**. McGraw – Hill – book Co.

Hoyer, McInnis(1997).**Customer behavior**.

- Immigrant Women Services Project" Lethbridge, AB, CA, December 2005.
- Janz, Darrel, (2001). "Calgary". Heart of the new west, TN, Towery pub.
- "Longitudinal Survey of Immigrant to Canada" .**Questionnaire, Wave 3**, Janaury 2005
- Lee,Evert.S,(1966)." Theory of Migration ".**demography**.Vol3, No1,Chicago.
- Mincer, Jacob(1974)."schooling, expereice and earing ". national burea of Economic research and Columbia University,
- Mincer J(1978)."Family migration decision ".**J Polit Econ** 86(5):749-
- Martin, James, (2002). Calgary. "The unknown city". Vancouver, Arsenal pulp press
- Orcutt, Harriet,and Sandrers, Seth(1993)." The decision to work by married immigrant women ", Vol.46, No.4,
- Picounet, M, (1975)." migration", sources analyse demographics, Vol5, Paris
- Sjaastad, Larry.A (1962)." The cost & return of human migration ", **Journal of political Economy**. NO 703, Chicago.
- Taylor,J, Edward(1992)." Remittance and Inequality Recognized:Direct and Indirect,& International Effects".**Journal of policy modeling**.Vol.14,New York.
- United Nation (1988)."Population Distribution and Migration" New York
- Vinita, ambwani, Lorraine, dyke (2007)." Employment inequalities and minitory women : The role of wage devaluation" , the international journal of diversity in organization .commuties and nations. vol.7,number 5,
- www.ucalgary.ca
- www.wikipedia.com